

پلن B امریکا به سرعت در حال عملیاتی شدن است

رحمن قهرمان‌پور، تحلیلگر مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «اعتماد»:

رویارویی ایران و اسرائیل علنی‌تر شده است

شهاب شهبازی

حمله ناکام پهبادی به يك تاسیسات وزارت دفاع ایران در اصفهان، با واکنش‌های گسترده‌ای در داخل و خارج از کشور مواجه شد. از همان ساعات نخست، رسانه‌ها گمانه‌زنی‌ها در مورد عامل این عملیات خرابکارانه را آغاز کردند. شبکه العربیه، متعلق به عربستان سعودی، نخست به نقل از يك مقام امریکایی مدعی شد که امریکا با همکاری يك کشور دیگر این عملیات را انجام داده است، خبری که به سرعت توسط مقام‌های امریکایی تکذیب شد. رسانه‌های امریکایی از جمله نیویورک تایمز و وال استریت ژورنال، اسرائیل را عامل این حمله معرفی کردند و آن را در راستای «کنترل جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران» و «برای تامین منافع امنیتی اسرائیل» توصیف کردند. در این میان، یکی از مشاوران ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، مدعی شد که کیف در این عملیات نقش داشته است و آن را در پاسخ به کم‌های نظامی ایران به روسیه انجام داده است. اما عامل اصلی این عملیات کدام طرف بود و کدام طرف بیشترین منفعت را از آن برد؟ تنش‌ها و اقدام‌ها علیه ایران در منطقه در چه شرایطی قرار دارد؟ اینها سوالاتی است که از رحمن قهرمان‌پور، تحلیلگر مسائل بین‌الملل پرسیدیم. قهرمان‌پور، معتقد است که با توجه به اقدام‌های مشابه، اسرائیل عامل حمله شبه شب بود و ادعای اوکراینی‌ها در مورد مشارکت در آن، يك اظهارنظر تبلیغاتی و هیجانی است. قهرمان‌پور معتقد است که تنش‌ها میان ایران و اسرائیل، به شکل روزافزونی در

حال افزایش است. در ادامه متن کامل گفت‌وگویی «اعتماد» را با رحمن قهرمان‌پور، تحلیلگر مسائل بین‌الملل مطالعه می‌کنید.

ادعاهای زیادی در طول دو روز گذشته در خصوص عامل حمله به تاسیسات وزارت دفاع ایران در اصفهان مطرح شده است، ادعا در مورد دخالت امریکا، دخالت اوکراین و دخالت اسرائیل از جمله گزارش‌هایی است که در رسانه‌ها منتشر شده است. به اعتقاد شما کدام ادعا دقیق‌تر است؟

با توجه به اتفاقاتی گذشته و اقدام‌های مشابهی که قبلاً انجام شده است، به نظر می‌رسد که احتمال دست داشتن اسرائیل در این نوع عملیات بیشتر از بقیه باشد. قاعدتا با توجه به آن چیزی که در سال‌های گذشته دیده‌ایم، از جمله در عملیات ترور دانشمندان هسته‌ای، حمله به مرکز هسته‌ای در کرج و موارد دیگر، به نظر می‌رسد که اسرائیل بیشترین انگیزه و تمایل را برای انجام چنین اقداماتی داشته باشد.

هم رسانه‌های اوکراینی و هم مقام رسمی اوکراینی در این زمینه واکنش نشان داده‌اند و این حمله را مرتبط به کم‌های نظامی ادعایی ایران به روسیه توصیف کرده‌اند. فکر می‌کنید چرا اوکراینی‌ها چنین واکنشی نشان داده‌اند؟

این نکته برای شخص من هم جالب توجه بود. بیشتر به نظر من این اقدام یک موضع‌گیری عجولانه و احساسی از سوی اوکراینی‌ها بود، برای اینکه نسبت به آنچه حمایت ایران از روسیه عنوان می‌کنند، واکنش نشان دهند. ولودیمیر زلنسکی، پیش از آنکه رییس‌جمهور شود یک فرد رسانه‌ای بود و در یک سال گذشته‌ای که جنگ اوکراین شروع شده است، زلنسکی و تیمش در کنار جنگیدن در میدان نبرد، یک کمپین نظامی گسترده در سطح جهانی برای جلب کم‌های غرب به راه انداخته‌اند و در خیلی جاها موفق بودند که تازه‌ترین موفقیت آنها گرفتن مجوز واردات تانک‌های لئوپارد ۲ آلمان به اوکراین بود. من معتقدم که واکنش اوکراینی‌ها به این واقعه هم در این راستا است، یعنی اینکه آنها می‌خواهند از غرب کم‌هایی را دریافت کنند و هم اینکه قصد دارند در سطح افکار عمومی داخلی این‌گونه وانمود کنند که کیف این طرفیت را دارد که اگر کشوری در جنگ اوکراین با ما در افتاد، به او ضربه بزنیم.

ولی اگر بخواهیم واقعیت‌ها و قرائن موجود را بررسی کنیم، از نظر عملیاتی و دسترسی به اطلاعات، اوکراین ظرفیت انجام چنین عملیاتی را در ایران ندارد.

رسانه‌های امریکایی به نقل از مقام‌های این کشور نوشته بودند که

اسرائیل عملیات مذکور را با هدف تامین منافع امنیتی خودش انجام داده است. اساساً آیا قابل تصور است که اسرائیل به نیابت از کشور دیگر یا به صورت سفارشی عملیاتی علیه ایران انجام دهد؟

جواب دادن به این سوال بسیار مشکل است و جواب دادن به آن نیازمند اطلاعات پشت‌پرده و محرمانه در روابط خارجی دولت‌های دیگر است که دسترسی به آن ممکن نیست. اما اگر بخواهیم در مورد جواب این سوال گمانه‌زنی کنیم، باید ببینیم که هزینه عملیات چقدر است. ریسک چنین عملیاتی بسیار بالاست و اگر دولتی بخواهد به سفارش دولت دیگری چنین اقدامی انجام دهد، هزینه‌های بالایی برای آن می‌پردازد که مهم‌ترین هزینه مربوط به ریسک امنیت ملی عامل چنین اقدامی است. بنابراین به طور معمول بعید است که دولتی چنین کاری را انجام دهد.

آنچه روشن و واضح است، آن‌گونه که بنیامین نتانیاهو گفته است و کابینه جدیدش نشان می‌دهد، مساله اسرائیل، مساله هسته‌ای ایران است. علاوه بر عملیات اسرائیل در ایران، در گذشته هم شاهد انجام عملیات خرابکارانه از سوی اسرائیل علیه برنامه هسته‌ای عراق و سوریه را داشتند. عملیات حمله به نیروگاه اوسیراک عراق و حمله به تاسیسات هسته‌ای سوریه در دیرالزور، اقداماتی بود که در گذشته توسط اسرائیل انجام شده‌اند و در دهه ۱۹۶۰ هم خرابکاری در برنامه موشکی مصر نقش اصلی را بازی کرد. واضح است که سیاست کلان اسرائیل مقابله با برنامه هسته‌ای ایران است و بعید است که بخواهد در این راستا به سفارش کشور دیگری اقدام به عملیات کنید.

دیدگاهی وجود دارد که اسرائیل از نزدیک شدن به اوکراین در دوران جنگ روسیه علیه اوکراین به این دلیل اجتناب می‌کند که امتیازهایی که از مسکو گرفته است، از جمله چراغ سبز برای عملیات در خاک سوریه را از دست بدهد. فکر می‌کنید ادعای اوکراینی‌ها که خود را همکار اسرائیل در عملیات علیه تاسیسات دفاعی ایران نشان می‌دهند، چه تاثیری بر روابط مسکو و تل‌آویو داشته باشد؟

روابط اسرائیل و روسیه قبل از جنگ اوکراین در حال گسترش بود. روابط شخصی که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه ایجاد کرده بود، باعث می‌شد که این روابط گسترده‌تر شود. مواردی هم که باعث نارضایتی ایران شده بود، موافقت یا دست‌کم بی‌تفاوتی و چشم‌پوشی روسیه نسبت به حملاتی بود که اسرائیل در خاک سوریه علیه مواضع و منافع ایران انجام می‌داد. بعد از جنگ اوکراین، اسرائیل در موقعیت سختی قرار گرفته است، هم به این دلیل که روابطش با روسیه در حال گسترش بود و اگر از اوکراین دفاع همه‌جانبه می‌کرد، قاعدتاً روابطش با روسیه دچار خدشه می‌شد، از آن

طرف هم از آنجا که اسرائیل در مجموعه غرب تعریف شده، مجبور بود که با غربی‌ها به نفع اوکراین همکاری کند. وضعیت اسرائیل، شبیه به وضعیت ترکیه و هند است که هم با روسیه و هم با غرب مناسبات دوستانه داشت و سعی می‌کرد در این حد فاصل مانور بدهد. البته ترکیه تصمیم گرفت که در جنگ به اوکراین پهپاد نظامی ارائه بدهد. اما اسرائیل و هند فقط تعهد دادند که کمک‌های بشردوستانه به اوکراین ارسال کنند. ولی بعد از تداوم درگیری، افزایش فشار غربی‌ها و تضعیف روسیه، به نظر می‌رسد که اسرائیل تمایل پیدا کرده است که بیشتر از گذشته از اوکراین حمایت کند. اما همچنان من معتقدم که اسرائیل در این زمینه جانب احتیاط را نگه خواهد داشت، چراکه در منطقه اسرائیل خیلی بیشتر از آنکه به اوکراین نیاز داشته باشد، به روسیه نیاز دارد و طبیعتاً نمی‌خواهد روابط خودش را با روسیه فدای روابط با اوکراین کند.

در طول روزهای اخیر یکی، دو روز گذشته عملیات دیگر هم علیه اهداف منتسب به ایران در منطقه انجام شده است، از جمله حمله به کاروان تجاری ایران در مرز سوریه و عراق، فکر می‌کنید اسرائیلی‌ها در حال تشدید عملیات خودشان علیه منافع و اهداف ایران هستند؟

جواب من مثبت است. موسسه بررسی‌های استراتژیک اسرائیل INSS که یکی از معتبرترین اندیشکده‌ها و پژوهشکده اسرائیل است، سال گذشته در بولتن سالانه خودش در مورد امنیت ملی اسرائیل در سال ۲۰۲۲ برای نخستین‌بار به صراحت قید کرده است که جمهوری اسلامی ایران، اصلی‌ترین تهدید برای امنیت ملی اسرائیل است و مساله فلسطین و فلسطینی‌ها اولویت دوم است. این موضوع نشان می‌دهد در داخل اسرائیل، گفتمانی که نتانیاهو از یک دهه پیش دنبال می‌کرد، یعنی ایران‌هراسی و جلوه دادن ایران به عنوان بزرگ‌ترین تهدید اسرائیل، به سطح اندیشکده‌ها و پژوهشکده‌ها هم رسیده است؛ یعنی دیگر صرفاً این شخص نتانیاهو یا حزب لیکود نیستند که این موضوع را مطرح می‌کنند، بلکه مساله در سطح گسترده‌تری جا افتاده است. موضوع مقابله با برنامه هسته‌ای ایران در اسرائیل تبدیل به یک موضوع فراجزبی شده است، حتی دولت نفتالی بنت-یاییر لاپید هم که سر کار بود، به رقم اختلافاتی که در داخل کابینه اسرائیل وجود داشت، از این سیاست به صورت جدی عدول نکردند.

این سیاست تقابل با ایران نام‌های مختلفی به خود دیده است، از جنگ میان جنگ‌ها، تا مرگ بر اثر هزار جرح. فکر می‌کنید جنگی که قرار بود پنهانی و در سایه باشد، در حال علنی‌تر شدن است؟

باید بگویم شدت و دامنه جنگ غیرمستقیم به صورت مداوم در حال افزایش است. اگر این رویارویی در گذشته فقط منحصر به پیرامون

اسرائیل و داخل ایران بود، الان شاهد هستیم به سطح دریای سرخ، خلیج فارس و حتی دریای مدیترانه هم کشیده شده است. این تقابل به تدریج هم شدت بیشتری پیدا می‌کند و فرکانس و تعداد دفعات تکرارش بیشتر می‌شود و هم دامنه آن وسیع‌تر می‌شود. یابیر لاپید که در قیاس با دیگر سیاستمداران ناسیونالیست-صهیونیست اسرائیل، فرد میانه‌روتری محسوب می‌شود، صراحتاً گفته است که سیاست رسمی اسرائیل، نه دو دولت، بلکه عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی است. مشخص است که هدف اصلی و اولیه سیاست عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی که آمریکا هم از آن حمایت می‌کند، تقابل اسرائیل با همراهی بازیگران منطقه‌ای علیه ایران است.

این مساله روز به روز ابعاد گسترده‌تری می‌گیرد. این را هم باید اشاره کنم که اسرائیل مدتی پیش به عنوان عضو ناظر در سنتکام (فرماندهی ارتش آمریکا در ناحیه مرکزی) پذیرفته شد. کسانی که با ساختار سنتکام آشنایی دارند، می‌دانند که این مساله بسیار مهم است، چراکه اسرائیل می‌تواند اطلاعاتی که سنتکام دارد، نحوه انجام ماموریت‌ها و گشت‌هایی که انجام می‌دهد، برای انجام عملیات استفاده کند. به نظر می‌رسد که در اسرائیل به صورت روزافزون، گسترده و تاحدی علنی‌تر این تقابل پیش می‌رود.

در سال‌های اخیر این‌گونه مطرح شده است که امریکایی‌ها اجازه حمله نظامی اسرائیل به ایران را نداده‌اند، چه قبل از برجام و چه بعد از آن بارها این ادعا تکرار شده است. فکر می‌کنید سیاست کنونی امریکایی‌ها در این مورد چه باشد؟

شاید این گفت‌وگو فرصت مناسبی نباشد که سیر اتفاقاتی که اخیراً در روابط ویژه آمریکا-اسرائیل رخ داده است را کامل تشریح کنم. اما در دیدار چند ماه پیشی که مقام‌های امنیتی اسرائیل با جیک سولیوان، مشاور امنیت ملی رییس‌جمهور آمریکا داشتند، آقای سولیوان اظهاراتی داشت که به رسانه‌ها هم درز کرد که دو طرف اختلاف‌هایی در مورد برنامه هسته‌ای ایران دارند، اما علی‌رغم این اختلاف‌ها سیاست بدون غافلگیری یا شگفتی صفر یا Zero Surprise را ادامه می‌دهند. دو طرف چند سال پیش، در دولت قبلی نتانیاهو، توافق کردند اگر اسرائیل عملیاتی علیه ایران انجام بدهد، آمریکا را در جریان بگذارد تا آمریکا شگفتزده نشود و بتواند در سطح بین‌المللی این موضوع را مدیریت و حمایت کند. به نظرم این سیاست آمریکا همچنان پابرجا است. اما با توجه به اتفاق‌هایی که در پرونده برجام رخ می‌دهد، یعنی کاهش امیدواری نسبت به احیای برجام، به نظر می‌رسد که انگیزه امریکایی‌ها در بازگذاشتن دست اسرائیل برای تقابل با ایران بیشتر شده است. در مورد این حمله اخیر به ایران هم گفته شده است

که ویلیام برنز، رییس سازمان CIA در اسرائیل بود. می‌خواهم بگویم که نسبت مستقیمی بین کاهش انگیزه غرب برای تعامل با ایران با افزایش تهدیدهای اسرائیل علیه ایران و افزایش تقابل میان ایران و اسرائیل، وجود دارد. هر چه غرب انگیزه کمتری برای تعامل با ایران داشته باشد، به همان اندازه اسرائیل سطح تنش با ایران را بیشتر می‌کند.

در ماه‌های اخیر دو رزمایش بزرگ مشترک بین اسرائیل و آمریکا برگزار شده است که در هر دوی آنها، که گفته می‌شد دومی بزرگ‌ترین رزمایش از این دست بین دو دولت است، حمله به اهدافی در ایران تمرین شد. این رزمایش‌ها چه نشانه‌هایی از وضعیت روابط اسرائیل و آمریکا درخصوص ایران دارد؟

در این مورد باید چند مساله را مدنظر قرار داد؛ نخست اینکه تحلیل‌های نظامی هم در آمریکا و هم در اسرائیل این است که اسرائیل به تنهایی توان انجام عملیات نظامی گسترده علیه تاسیسات هسته‌ای ایران ندارد. در مجله مشهور امنیت بین‌الملل (International Security) حدود ۱۰ سال پیش یک مقاله مشهور منتشر شد با موضوع حمله اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای ایران. در آن مقاله به تفصیل توضیح داده شده که چرا اسرائیل به تنهایی امکان عملیات نظامی در خاک ایران ندارد. از آن زمان اسرائیلی‌ها به آمریکا فشار می‌آورند که یا در انجام عملیات نظامی با اسرائیل همراهی کند، یا به اسرائیل کمک کند تا خودش به تنهایی بتواند این کار را انجام دهد. در سه، چهار سال اخیر که روابط ویژه بین آمریکا و اسرائیل، قدری سست‌تر شده است، برخی تحلیلگران نظامی این بحث را مطرح کرده‌اند که اسرائیل باید به سمت کسب توانایی حمله مستقل به تاسیسات هسته‌ای ایران برود. نقش آمریکا چیست؟ می‌گویند که از آمریکا پشتیبانی لجستیک، پشتیبانی حقوق و پشتیبانی رسانه‌ای در سطح بین‌المللی نیاز داریم. در پشتیبانی لجستیک، چیزی که برای اسرائیلی‌ها مهم است، هواپیماهای سوخترسان است. اسرائیل تعدادی از هواپیماهای سوخترسان در اختیار دارد، اما چون مدل قدیمی هستند، استفاده از آنها پرریسک است. اسرائیلی‌ها چند سال است که به آمریکا فشار می‌آورند که مدل‌های جدیدتری از این هواپیماهای سوخترسان در اختیار اسرائیل قرار دهند. آمریکایی‌ها هم با این خواسته موافقت کرده‌اند. در رزمایش اخیر، برای دومین یا سومین بار، از این هواپیماهای سوخترسان نسل جدید برای تمرین عملیات استفاده شده است. استفاده از این هواپیماها برای عملیاتی پیچیده مانند حمله به ایران، مشکلات خاص خودش را دارد، نخست اینکه این باید اسرائیل بتواند از کشورهای پیرامون برای پرواز این هواپیماها مجوز دریافت کند و دوم

اینکه این هواپیماها باید برای سوخت‌رسانی در آسمان باقی بمانند. این رزمایش در راستای این ایده است که اسرائیل باید به سمت کسب توانایی انجام مستقل عملیات نظامی علیه تاسیسات هسته‌ای ایران، حرکت کند. در این راستا، شبیه‌سازی حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران، استفاده از هواپیماهای سوخت‌رسان و بمب‌های سنگ‌شکن یا Bunker Buster که تا ۶۰ متر زیر زمین می‌رود و آنجا منفجر می‌شود، در این رزمایش‌های انجام شده است.

برخی تحلیلگران معتقدند که امریکایی‌ها، همان‌گونه که فرمودید بعد از افزایش ناامیدی‌ها نسبت به احیای برجام، با حمایت مستقیم یا غیرمستقیم از اقدامات اسرائیل، به نوعی برنامه جایگزین یا Plan B خودشان را آغاز کرده‌اند. نظر شما در این مورد چیست؟

خیلی سوال مهمی است و با اطلاعاتی که الان در اختیار داریم، نمی‌توان جواب بله یا خیر به این موضوع داد. تفکری در آمریکا و حتی اروپا رواج پیدا می‌کند که این تفکر می‌گوید امکان احیای برجام به شکل سابق دیگر وجود ندارد. افراد، دیپلمات‌ها، اندیشکده‌ها و موسسات پژوهشی در آمریکا و اروپا هستند که یک سال پیش طرفدار احیای برجام بودند، اما امروز معتقد هستند دیگر نمی‌توان برجام را احیا کرد. به عنوان نمونه می‌توان به اندیشکده معتبر بریتانیایی (RUSI Royal United Services Institute) اشاره کرد که اخیراً یک گزارش مفصل ۶۰ صفحه‌ای منتشر کرده است و مبتنی بر مصاحبه‌های میدانی، نتیجه‌گیری می‌کند غرب دیگر نمی‌تواند برجام را به تنهایی ملاک گسترش روابط یا تعامل با ایران قرار دهد. به نظر می‌رسد آنچه شما Plan B نامیدید یا آنچه من از آن با عنوان «پشت سر گذاشتن برجام» یاد می‌کنم، به سرعت در حال عملیاتی شدن است. اینکه آیا این به معنای در دستور کار قرار گرفتن عملیات نظامی است؟ به نظر می‌رسد که ما هنوز به این مرحله نرسیدیم؛ یعنی از مرحله احیای برجام عبور کرده‌ایم، اما از سوی دیگر وارد فاز تقابل نظامی نشده‌ایم. باید ببینیم در این حد فاصل، Plan B یا سیاستی که امریکایی‌ها دنبال می‌کنند چه ابعادی دارد و آیا کاملاً برجام را کنار می‌گذارند یا به دنبال معرفی برجام جامع‌تر یا توافق مشابهی هستند یا نه. باید منتظر باشیم تا ببینیم ابعاد سیاست جایگزین امریکایی‌ها چیست.

پریروز وزیر خارجه قطر به تهران سفر کرد و تاکید کرد که پیام‌هایی را از کشورهای مختلف از جمله آمریکا برای ایران آورده است و البته ایده‌هایی هم گویا در خصوص موضوع جنگ اوکراین و مساله ادعای کم‌های نظامی ایران به روسیه در گفت‌وگوهایش با همتای ایرانی مطرح شده است. فکر می‌کنید این سفر چه ارتباطی با شرایط جاری منطقه دارد؟

سفرهاي اينچنيني، قاعدتا با مسائل جاري در منطقه، از جمله رويارويي ايران و اسراييل، نامرتبط نيستند. آنچه وزراي خارجه ايران و قطر بعد از مذاكرات مطرح كردند، كلييات بود و چيزي در مورد جزئيات پيامها و پيشنهادهاي احتمالي بيان نشده است، ولي آنگونه كه مشخص است در يكي، دو سال گذشته، قطر نقش مهمي در روابط ايران و امريكا ايفا کرده است و دولت بايد هم قطر را جز متحدان خارج از ناتوي امريكا معرفي کرده است. جاگاه قطر در مقايسه امارات و عربستان در واشنگتن ارتقا پيدا کرده است. در نتيجه اين سفر را مي توان سفر جدي تلقي کرد و بايد ببينيم ايران به پيشنهادهاي احتمالي كه امريكا خواهد داشت، پاسخ مثبت مي دهد يا نه.

در اين سفر، مقامات ايران و امريكا در مورد مسائل مختلفي گفتگو کردند. از جمله، در مورد مسائل مربوط به منطقه خاور ميانه و نقش قطر در اين منطقه. همچنين، در مورد مسائل مربوط به اقتصاد و روابط بين المللي. در نتيجه اين سفر، انتظار مي رود كه روابط ايران و امريكا بهبود يابد و به سمت جلو پيش برود.

در اين سفر، مقامات ايران و امريكا در مورد مسائل مختلفي گفتگو کردند. از جمله، در مورد مسائل مربوط به منطقه خاور ميانه و نقش قطر در اين منطقه. همچنين، در مورد مسائل مربوط به اقتصاد و روابط بين المللي. در نتيجه اين سفر، انتظار مي رود كه روابط ايران و امريكا بهبود يابد و به سمت جلو پيش برود.

در اين سفر، مقامات ايران و امريكا در مورد مسائل مختلفي گفتگو کردند. از جمله، در مورد مسائل مربوط به منطقه خاور ميانه و نقش قطر در اين منطقه. همچنين، در مورد مسائل مربوط به اقتصاد و روابط بين المللي. در نتيجه اين سفر، انتظار مي رود كه روابط ايران و امريكا بهبود يابد و به سمت جلو پيش برود.

در اين سفر، مقامات ايران و امريكا در مورد مسائل مختلفي گفتگو کردند. از جمله، در مورد مسائل مربوط به منطقه خاور ميانه و نقش قطر در اين منطقه. همچنين، در مورد مسائل مربوط به اقتصاد و روابط بين المللي. در نتيجه اين سفر، انتظار مي رود كه روابط ايران و امريكا بهبود يابد و به سمت جلو پيش برود.

در اين سفر، مقامات ايران و امريكا در مورد مسائل مختلفي گفتگو کردند. از جمله، در مورد مسائل مربوط به منطقه خاور ميانه و نقش قطر در اين منطقه. همچنين، در مورد مسائل مربوط به اقتصاد و روابط بين المللي. در نتيجه اين سفر، انتظار مي رود كه روابط ايران و امريكا بهبود يابد و به سمت جلو پيش برود.

در اين سفر، مقامات ايران و امريكا در مورد مسائل مختلفي گفتگو کردند. از جمله، در مورد مسائل مربوط به منطقه خاور ميانه و نقش قطر در اين منطقه. همچنين، در مورد مسائل مربوط به اقتصاد و روابط بين المللي. در نتيجه اين سفر، انتظار مي رود كه روابط ايران و امريكا بهبود يابد و به سمت جلو پيش برود.

در اين سفر، مقامات ايران و امريكا در مورد مسائل مختلفي گفتگو کردند. از جمله، در مورد مسائل مربوط به منطقه خاور ميانه و نقش قطر در اين منطقه. همچنين، در مورد مسائل مربوط به اقتصاد و روابط بين المللي. در نتيجه اين سفر، انتظار مي رود كه روابط ايران و امريكا بهبود يابد و به سمت جلو پيش برود.

موضوع: بررسی تأثیرات اقتصادی تحریمات بر اقتصاد ایران
در سال 1401. این مقاله به بررسی تأثیرات اقتصادی تحریمات
بر اقتصاد ایران در سال 1401 می‌پردازد. در این مقاله، تأثیرات
تحریمات بر تولید ناخالص داخلی، اشتغال، تورم و سایر شاخص‌های
اقتصادی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد
که تحریمات تأثیرات منفی قابل توجهی بر اقتصاد ایران داشته است.
منبع: روزنامه اعتماد 11 خرداد 1401

منبع: روزنامه اعتماد 11 خرداد 1401